

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

از امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه آمده است که حضرت فرمود: «أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يَضُرُّكُمْ تَضْيِيعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ حِفْظِكُمْ قَائِمَةَ دِينِكُمْ أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يَنْفَعُكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ دِينِكُمْ شَيْءٌ حَافِظُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكُمْ»<sup>۱</sup>

حضرت در این قطعه از خطبه تأکید دارد که اگر دینتان را حفظ کنید هیچ آسیبی به شما از آنچه خوف دارید از دنیایان ضایع شود نخواهد رسید. از آن سو اگر برای حفظ دنیای خود از دینتان بگذرید آن دنیایی هم که به دست می‌آورد به سود شما نخواهد بود.

از آغاز انقلاب، مردم ما، حوزه ما، مرجعیت ما برای حفظ دین و عزت مسلمین قیام کردند نه برای آب و نان و برای همین بود که ما تاکنون به این مقدار مقاومت کردیم. برای حفظ دین بود که خانواده‌های شهدا بهترین‌های خود را در راه اسلام فدا کردند. برای حفظ دین بود که ما صبر کردیم، خانه‌های ما خراب شد اما دین خود را از دست ندادیم. به ما از درون و بیرون حمله‌ور شدند و هشت سال جنگ تحمیلی را بر ما وارد کردند، تحریم‌ها را بر ما تحمیل کردند اما ما دست از دین خود برنداشتیم و خدا ما را پیروز کرد.

خداوند متعال در قرآن کریم در آیه‌ای فرمود: «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup> برتری ازان شماست به شرطی اینکه ایمان خود را حفظ کنید. در جای دیگر هم می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۳</sup> اگر مردم آبادی‌ها، تقوا پیشه کنند خدا برکات آسمان و زمین را برای آن‌ها باز می‌کند اما اگر پشت کنند خدا هم آن‌ها را به کار خود وامی‌گذارد و نتیجه کار خود را درو خواهند کرد.

در جای دیگر می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»<sup>۴</sup> و در جای دیگر می‌فرماید: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا \* الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْنِئْتَهُمْ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ

۱. نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص: ۲۴۹. خطبه ۱۷۳

۲. آل عمران: ۱۳۹ وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

۳. الأعراف: ۹۶

۴. المنافقون: ۸ يَقُولُونَ لَنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعْرَابُ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

جَمِيعاً»<sup>۵</sup> آن‌هایی که به خاطر اینکه به عزت و قوت برسند یا به یک بهره دنیایی برسند و یا به یک اقتصاد خوب دست پیدا کنند به دشمن پناه ببرند و حاضر باشند به دشمن امتیاز بدهند و به او امتیاز دهند، این افراد نه در دنیا به آن می‌رسند و نه آخرتی دارند؛ به عبارتی هم دنیا را از دست می‌دهند و هم آخرت را.

ما وعده‌های الهی را امتحان کرده‌ایم؛ هر کجا برای خدا صبر کردیم عزت نصیب ما شد مثلاً توانستیم بعد از جنگ شهرهای خود را بسازیم و برکات به سوی مملکت ما روی آورد. اما هر کجا برای خاطر اینکه بتوانیم به دنیا برسیم و دنیای خود را نگه داریم از دین خود دست برداشتیم، ذلت نصیب ما شد. این مسائل تعارف‌بردار نیست و حقایق‌اند و ما آن‌ها را با چشم دیده و تجربه کرده‌ایم. برجام یک تجربه بسیار روشن و آگاهی بخش است؛ از برجام چه چیزی به دست آمد؟ آیا وضع ما بعد از برجام بدتر از قبل از برجام نشد؟! مگر ما برای این به سراغ برجام نرفتیم که وضع اقتصادی ما خوب شده و تحریم‌ها برداشته شود، اما چه چیزی را به دست آوردیم؟ جز اینکه تحریم‌ها و فشارها بر ما بیشتر شد؟ جز اینکه آب‌ها و دریاچه‌های ما خشک شد؟ جز اینکه رودخانه‌های بزرگ ما خشک شد؟ جز اینکه باران از آسمان بر ما بخل ورزید؟ آیا این موارد را تجربه نکردیم؟ آیا این «فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» برای ما ایجاد نشد؟!

ما به مسئولین محترم توصیه می‌کنیم - که به همه آن‌ها احترام می‌گذاریم - که فریب شیطان را نخورند و به دین خدا و وعده‌های الهی باور کنند. از اینکه fatf را امضا کنند و اگر نکردند چه می‌شود باکی نداشته باشند، بلکه ببینند که عزت ملت چه چیزی را اقتضا می‌کند و ببینند احکام الهی چه اقتضایی دارد. ببینند که نظر مقام معظم رهبری مدظله‌العالی چه نظر و چه توصیه‌هایی می‌کنند، ببینند مراجع بزرگ ما چه نظری دارند. حرفی که مقام معظم رهبری این مرجع بزرگ و سایر مراجع می‌زنند این حرف خداست و نباید با حرف خدا بازی کنند و آن را سبک بشمارند.

ما توصیه می‌کنیم و هشدار می‌دهیم؛ یقین بدانند که اگر زیر بار تعهدهای ذلت‌بار رفتند و اگر دست و پای ملت ما را با تعهدهایی که فقط و فقط به منظور دست‌یابی به یک منابع تخیلی است بستند فردا همین ملت به آن‌ها پشت خواهد کرد. اگر در فکر دین نیستید در فکر آینده خودتان باشید. اگر در فکر دین هستید بدانند که دین جز عزت را برای آن‌ها نمی‌خواهد.

اگر پای دین خدا بیاستند، خواهند دید که خداوند متعال چگونه آن‌ها را کمک می‌کند و کید کافرین و نقشه‌های دشمنان هیچ آسیبی به آن‌ها نخواهد رساند.

ما تأکید داریم و تأکید می‌کنیم بر اینکه بدانند خدای متعال همراه این ملت و مردم است؛ این مردم دین را می‌خواهند، ایمان و قرآن را می‌خواهند، عدل و پابندی به ارزش‌ها را می‌خواهند، پس فریب اقوای شیطان را نخوردند و یقین بدانند که اگر پای دین و حرف خدا و پیامبر ایستادند و گوش به حرف دشمن ندادند خداوند متعال کید دشمنان را از آن‌ها دفع خواهد کرد و آن‌ها را از کید و نقشه دشمن در امان خواهد داشت. در نهایت هم برکات خود را بر آن‌ها نازل می‌کند.

یکی از مسائلی که ما در همین بحث فقه نظام سیاسی تأکید کردیم و باید محور همه بحث‌های حوزوی و معارف دینی ما باشد این است که ما ایمان به فرمانروایی خدا داشته باشیم؛ کار دست اوست و او فرمانرواست، فرمان همه چیز در دست اوست. اوست که عزت می‌دهد، اوست که دنیا و آخرت می‌دهد، اوست که زندگی خوش می‌دهد، اوست که وحدت و قدرت و شوکت می‌دهد. بدانیم که خداوند متعال فرمانروایی می‌کند نه آمریکا، نه اروپا، نه چین و نه روسیه. این‌ها فرمانروای دنیا نیستند بلکه فرمانروای جهان، فرمانروای همین دنیا تنها و تنها خداوند متعال است و خداوند متعال به کسانی که فرمانبر او باشند عزت داده و آن‌ها را یاری می‌کند. یاری خدا و عزت و نصرت الهی مشروط به فرمانبری خداوند متعال است؛ مشروط به فرمانبری آن فرمانروای و صاحب قدرت اصلی است؛ «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ \* تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَ تُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»<sup>۶</sup> مگر این آیه‌ها را نخواندیم! مگر این آیه را نخواندیم که «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّكِلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»<sup>۷</sup>. صبر داشته باشید و بر سر معیارها و ارزش‌های خود بیایستید، سر اهداف شهدا و اهداف امام راحل و بر سر فرمایشات مقام معظم رهبری باشید، تا پیروزی ازان شما شود.

اینکه یک عده بگویند ما مقام معظم رهبری را قانع کردیم یعنی فشار آوردیم تا مقام معظم رهبری ناچار به مدارا با ما شد. اینکه برخی از لشکریان امیرالمؤمنین علیه السلام فشار آوردند و حضرت دید که اگر تحکیمی

۶. آل عمران: ۲۶ و ۲۷

۷. الطلاق: ۲ و ۳

را که آن‌ها می‌گویند قبول نکند شیرازه لشکر از هم خواهد پاشید؛ به معنای آن نیست که امیرالمؤمنین علیه السلام راضی به این تحکیم بود اما وقتی می‌بینند که شرایطی پیش می‌آید و اگر رهبر جامعه آن شرایط را نپذیرد و مدارا نکند شیرازه لشکر از هم می‌پاشد، رهبر به ناچار از باب مدارا کوتاه می‌آید. هارون علیه السلام پیامبر الهی در برابر گوساله‌پرستی بنی اسرائیل کوتاه آمد و فرمود: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي»<sup>۸</sup> برای اینکه وحدت بین بنی اسرائیل را حفظ کند حتی در برابر بت‌پرستی آن‌ها سکوت کرد. به رهبران الهی و فقهای عادل ما گاه می‌شود که فشار برخی از قدرتمندان اجتماعی را تحمل می‌کنند؛ وقتی می‌بینند که آن‌ها می‌خواهند جوسازی کنند، می‌خواهند بگویند که اگر ما تن به برجام نمی‌دادیم وضع اقتصاد مملکت به هم می‌خورد و بعد هم بگویند مردم اگر وضع اقتصادی بد است برای آن است که رهبر قبول نکرده است، شرایطی پیش بیاید که اگر دوباره اتفاقی افتاد بگوید: ببیند که رهبر fatf را قبول نکرد برای همین به این شکل شد.

می‌خواهید شرایط به وجود بیاورید و جوسازی کنید و رهبر را در برابر عمل انجام شده قرار دهیم. شرایطی پیش بیاورید که امر رهبر بین دو چیز باشد؛ یا باید یک امری که مصلحت نیست را بپذیرد و یا شاهد متلاشی شدن وحدت جامعه اسلامی باشد! در اینجا طبیعی است که از باب مدارا همه رهبران الهی برای حفظ وحدت کوتاه می‌آیند. اما ما چرا باید رهبر را برابر چنین سرنوشتی قرار دهیم؟!

ما به دست‌اندرکاران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌گوییم که شما همیشه نماینده نخواهید بود و دنیا عوض می‌شود، مجلس هم عوض می‌شود، اقلاً سابقه خوبی برای خود در انقلاب به جای بگذارید. کاری نکنید که در آینده مردم شما را منزوی کنند، بلکه خدای ناکرده در بین مردم منفور شوید و در تاریخ لکه‌نگی برای شما ثبت شود.

امیدواریم چنین نباشد. انتظار ما از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و همه نمایندگان این است که به پیام مقام معظم رهبری از راه تسلیم عمل کنند نه اینکه بر مقام معظم رهبری تحمیل وارد کنند و شرایطی را پیش بیاورد که مقام معظم رهبری ناچار شود مانند امام مجتبی علیه السلام تن به صلح به معاویه آن هم به آن شکل دهد. حال آن چیزی که صلح نبود بلکه تعهد بود. چرا امام مجتبی علیه السلام به آن تعهد تن داد؟ او امام معصوم بود و دید اگر به آن تعهد تن ندهد دین از دست می‌رود؛ به دلیل اینکه این یاران، یاران سست عنصری هستند. کاری نکنیم که یاران سست عنصری برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم. حضرت

۸. طه: ۹۴ قَالَ يَا بَنُ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

امیرالمومنین علیه السلام در آخر این فرمایشی که از ایشان خواندیم می‌فرماید: «أَخَذَ اللَّهُ بِقُلُوبِنَا وَ قُلُوبِكُمْ إِلَى الْحَقِّ وَ الْهَمَمَا وَ إِيَّاكُمْ الصَّبْرُ». ما هم همین توصیه را بیان می‌کنیم: «أَخَذَ اللَّهُ بِقُلُوبِنَا وَ قُلُوبِكُمْ إِلَى الْحَقِّ وَ الْهَمَمَا وَ إِيَّاكُمْ الصَّبْرُ».

بحث در روایاتی بود که از آن‌ها استفاده می‌شود که فرمانروایی سیاسی در نظام سیاسی اسلام قابل تعدد نیست و به این شکل نیست که ما چند تا فرمانروا داشته باشیم. در روایت قبل آن فرمایش امیرالمومنین علیه السلام از نهج البلاغه را بیان کردیم؛ بخش دیگری از فرمایشات حضرت امیرالمومنین علیه السلام را نقل می‌کنیم. حضرت چنین می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ فَإِنْ شَغَبَ شَاغِبٌ اسْتُعْتَبَ فَإِنْ أَبِي قُوتِلَ» مردم بدانید که حق دارترین مردم به مسئله فرمانروایی آن کسی است که اقوای از دیگران در مدیریت و فرمانروایی امور باشد و به امر و فرمان خدا در آن یعنی در همین امر فرمانروایی اعلم باشد. بعد «فَإِنْ شَغَبَ شَاغِبٌ اسْتُعْتَبَ» اگر کسانی بخواهند نظم را بر هم بزنند و از فرمان فرمانروا سرپیچی کنند و مشاغبه پیدا کنند و نظم جامعه را بر هم بزنند باید آن‌ها را به تسلیم و آرامش فراخواند و به پذیرش فرمان وادار کرد. «فَإِنْ شَغَبَ شَاغِبٌ اسْتُعْتَبَ»، استعتب یعنی او را به عذرخواهی وادار می‌کنند. «فَإِنْ أَبِي» اگر تسلیم نشد و اگر به نظم برگشت و به نظم تن درنداد، «قُوتِلَ» با او جنگ می‌کنند تا تسلیم شود.

«وَ لَعَمْرِي لَئِنْ كَانَتْ الْإِمَامَةُ لَا تَتَّعِدُ حَتَّى يَحْضُرَهَا عَامَّةُ النَّاسِ [مَا] فَمَا إِلَى ذَلِكَ سَبِيلٌ» اگر بنا باشد که تا همه مردم بر فرمانروایی یک فرمانروا اتفاق نظر نکنند، آن فرمانروا فرمانروا نشود. معلوم می‌شود که این فرمانروایی هیچ‌گاه شکل نخواهد گرفت و این اتفاق برای همه مردم حاصل می‌شود. «وَ لَكِنْ أَهْلُهَا يَحْكُمُونَ عَلَى مَنْ غَابَ عَنْهَا» لکن کسانی که اهل امامت هستند - ما این را قبلاً تفسیر کردیم که مراد از اهل امامت چیست - آن‌ها «وَ لَكِنْ أَهْلُهَا يَحْكُمُونَ عَلَى مَنْ غَابَ عَنْهَا» نظر آن‌ها، نظری است که حاکم می‌شود بر نظر آن‌هایی که در موقعیت شکل‌دهی به این قدرت سیاسی نبوده‌اند.

«ثُمَّ لَيْسَ لِلشَّاهِدِ أَنْ يَرْجِعَ وَ لَا لِلْغَائِبِ أَنْ يَخْتَارَ» آن کسی که شاهد بود و آمد و امر امامت را قبول کرد، یعنی فرمانروایی فرمانروا را قبول کرد، دیگر نمی‌تواند برگردد. قبول کرده و تعهد داده و رأی داده است. آن کسی هم که نبوده و غائب بوده است دیگر حق ندارد که برای خود یک گزینش دیگری داشته باشد.

دو مقطع از این فرمایش محل بحث ماست؛ یکی «فَإِنْ شَغَبَ شَاغِبٌ اسْتُعْتَبَ فَإِنْ أَبِي قُوتِلَ» اگر بعد از اینکه امامی در جامعه امامت می‌کند اگر بخواهد نظم را بر هم بزند، باید با آن‌ها جنگید. لذا از این قسمت معلوم

می‌شود که جایی برای تعدد امامت و فرمانروایی وجود ندارد و الا اگر بود به او می‌گویند که جایی دیگر برو و امامت کند. مخصوصاً مقطع دوم؛ یعنی «وَلَا لِلْغَائِبِ أَنْ يَخْتَارَ»<sup>۹</sup> آن کسی که در این موضوع شرکت نکرد حق ندارد برای جای دیگر، امام دیگری را انتخاب کند. این موارد قاعده کلی نظام سیاسی اسلامی است. کسی دیگر نمی‌تواند گزینش دیگری کند، کسی که در این گزینش شرکت نکرده است و بگوید حالا که من شرکت نکرده‌ام پس بگویند بروم یک گزینه دیگری را انتخاب کنند. این صریح در این است که ما در نظام سیاسی اسلام تعدد فرمانروایی نداریم. پس از این مقطع از روایت هم نشان‌دهنده این است و تأیید می‌کند فرماندهی باید واحد باشد.

یک جمعی اصلاً در انتخاب این فرمانروا شرکت نکرده‌اند، حالا می‌خواهند یک فرمانروا و یک فرمانده دیگر را انتخاب کنند. مردم شام یا مصر می‌خواهند یک فرمانده دیگری را انتخاب کنند اما حضرت می‌فرماید: «وَلَا لِلْغَائِبِ أَنْ يَخْتَارَ». اگر تعدد فرمانروایی جایز است، حال منی که اصلاً این فرمانروا را انتخاب نکرده‌ام؛ باید حق داشته باشم که یک فرمانروایی را برای خود انتخاب کنند؟ من که به این فرمانروا تعهد نداده‌ام، چرا نتوانم یک فرمانروای دیگری را انتخاب کنم؟ چرا نشود یک جمع دیگری دور هم جمع شوند و یک فرمانروایی را انتخاب کنند. اما روایت خیلی صریح است و می‌فرماید: «وَلَا لِلْغَائِبِ أَنْ يَخْتَارَ».

فرمایش دیگری که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌توان به عنوان شاهد بر این بحث آورد کلامی است که آن هم در نهج البلاغه آمده است. به عمر بن خطاب پیشنهاد کردند که خوب است به جبهه برود و در آنجا حضور پیدا کند تا لشکریان تقویت روحیه پیدا کنند. او هم با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشورت کرد. حضرت در جواب اجمالاً فرمودند که به مصلحت نیست و خوب است تو در همین جا باشی و هرگاه آن‌ها احتیاج به نیرو داشتند، بتوانی برای آن‌ها نیروی مددی بفرستی زیرا این کار بیشتر باعث تقویت آن‌ها می‌شود تا اینکه خودت به آنجا بروی. در میان فرمایشات ایشان این جمله آمده است: «مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ» جایگاه قیم بالأمر و فرمانروا آن جایگاهی است که رشته‌ای است که مهره‌ها را به هم می‌پیوندند و آن نخ‌نخی است که آن‌ها به وسیله آن نخ به هم پیوسته می‌شوند. خرزه به معنای یک مهره است و خرز جمع آن است. «مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيُضَمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَائِرِهِ أَبَدًا»<sup>۱۰</sup> جایگاه قیم بالأمر و فرمانروا جایگاه آن رشته است که مجموعه مهره‌ها را به هم پیوند می‌دهد و همه مهره‌ها را جمع و ملزم می‌کند. اگر این رشته نظم این مجموعه به این مهره‌ها بریده شد، دیگر

۹. نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص: ۲۴۸، خطبه ۱۷۳

۱۰. نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص: ۲۰۳، خطبه ۱۴۶

نمی‌توان این مهرها را گرد هم آورد و جمع کرد؛ «فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَزَرُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَا فِيرِهْ أَبَدًا». لذا از این روایت استفاده می‌کنیم که جایگاه رهبر و فرمانبری جایگاه جمع و ضم همه مهرهاست، همه مهرها باید در یک جا جمع شوند و باید جایگاه فرمانروایی جایگاهی باشد که مانند نخ و رشته‌ای که همه دانه‌ها را به هم متصل می‌کند، همه دانه‌ها را به هم متصل کند.

لذا اگر بنا باشد رهبری متعدد شود این دانه‌ها خودبه‌خود به وسیله تعدد رهبری، متعدد شده و نظم منقسم می‌شوند و جمع و ضم حاصل نخواهد شد. ما از این بیان استفاده می‌کنیم که جایگاه فرمانروایی در نظام سیاسی اسلام جایگاه ضم و جمع همه مهرها در یک رشته است. بنابراین اگر بنا باشد این مهرها همه در یک رشته به هم پیوند ببندند - که مهرها اشاره به افراد جامعه اسلامی است - این افراد همه باید در یک نظام به هم پیوند بخوردند و این به هم پیوستگی آن‌ها در یک نظام وابسته به قیم بالامر است که او فرمانرواست.

پس از مجموعه این روایات استفاده می‌شود که فرمانروایی جامعه اسلامی به دلیل اینکه نقش ایجاد پیوند بین همه مهرها را ایفا می‌کند و از آنجایی که همه مهرهای جامعه اسلامی در یک پیوند به هم پیوندند و این پیوستگی وابسته به این است که رهبری آن‌ها یک پیوستگی را ایجاد کند. لذا مدلول التزامی این پیوند این است که باید قیم بالامر واحد باشد و باید مرکزیت فرمانروایی در جامعه اسلامی حفظ شود و مرکزیت باید واحد باشد و الا با تعدد مرکزیت که جمع همه آن‌ها در یک پیوند میسور نخواهد شد.

روایت پنجم - بحث آن در جلسه بعد باشد - را مسلم در صحیح خود از ابی سعید خدری صحابی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند: «قال رسول الله صلى الله عليه و سلم إذا بويع لخليفتين، فاقتلوا الآخر منهما»<sup>۱۱</sup>

اگر مردم با دو خلیفه بیعت کردند، دوتا نمی‌شود لذا باید با آن دومی جنگید و او را کشت. این روایت هم نص در واحد بودن ولی امر دارد. البته ما کاری به سند روایت نداریم اما به هر حال به دلیل اینکه در روایات دیگری که بحث شد مؤیدات دیگری هم دارد و همچنین ادله دیگری که آن را تأیید می‌کنند. این مجموعه دلالت دارد که تعدد فرمانروایی در نظام سیاسی اسلام وجود ندارد.

و صلی الله علی محمد و آله و سلم